



بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام

پدیدآورنده (ها) : فروهی، آرمان؛ رازنهان، محمدحسن؛ عطاری، علیرضا

تاریخ :: نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۴۳ (علمی-پژوهشی/ISC)

صفحات : از ۳۱ تا ۵۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1417252>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- قطره‌ای از دریای فضایل حضرت خدیجه (علیها السلام)
- نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از منظر قرآن
- فضائل حضرت خدیجه (ع)
- جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث، و علم جنین شناسی
- خدیجه علیها السلام اسوه ی فضیلت
- گونه شناسی روایات امام حسن مجتبی علیه السلام در تفسیر قرآن کریم
- ابن عباس در زمان حیات رسول خدا (ص) و نقش وی در روایات میان اهل تسنن و تشیع
- حقیقت نفّس و روح در قرآن و حکمت اسلامی
- رهیافت هایی از مهارت های زندگی در نهج البلاغه با تاسی از سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه
- نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (ع)
- مقام حضرت خدیجه در پیشگاه خدا و رسول اکرم
- مقاله: بنیان کعبه (۱)

عناوین مشابه

- نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- بررسی و نقد دیدگاه ابن جریر طبری درباره آفرینش حضرت حوا علیها السلام
- بررسی و نقد گزارش های بدءالوحی با تأکید بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام
- بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام
- بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
- گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان
- مقایسه و بررسی تاریخی و آماری فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام
- بررسی و نقد آراء گلدزیهر درباره منشأ اختلاف قراءات
- سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
- منزل و مقبره حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس سفرنامه های حج

بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام

Arman.Forouhi@yahoo.com

Hasan_raznahan@yahoo.com

Alirezaattari71@gmail.com

آرمان فروهی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

محمدحسن رازنهان / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

علیرضا عطاری / کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی

دریافت: ۹۶/۵/۶ - پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۶

چکیده

زندگانی و شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر دین مبین اسلام، همواره مورد توجه شرق شناسان بوده است. در خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، به عنوان اولین همسر و نخستین ایمان آورنده به ایشان در عصر مکی، نقش برجسته‌ای در مراحل ابتدایی دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله داشت. براین اساس، ابعاد مختلف زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام در آثار مستشرقان نمود و تجلی فراوانی داشته است. دیدگاه بیشتر مستشرقان حول پنج محور نحوه آشنایی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، ماجرای بعثت و حمایت‌های ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله، و رحلت خدیجه علیها السلام و پیامدهای آن واکاوی شده است.

طبیعی است که برخی از دیدگاه‌های مستشرقان، با گزارش‌های منابع متقدم تاریخی همسو و قابل تأیید است، اما ادعاهای غیرقابل تأیید متعددی نیز به چشم می‌خورد که در این نوشتار، با لحاظ تفاوت‌های طبیعی میان فرهنگ جهان اسلام و غرب و نیز شرایط و روح حاکم بر مطالعات شرق شناسی - به روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع متقدم تاریخی - مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، مستشرقان، ازدواج، بعثت، رحلت خدیجه علیها السلام.

یکی از شاخه‌های مهم شرق‌شناسی که از دیرباز مورد توجه مستشرقان بوده، حوزه مطالعات اسلامی است. نخستین و مهم‌ترین حوزه شرق‌شناسان در توجه به سرزمین‌های اسلامی، زندگانی حضرت محمد ﷺ است. پیامبر ﷺ به مثابه نماد اصلی دین اسلام، مرکز توجه آشنایی با این دین از نظر شرق‌شناسان بوده است. از این منظر، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین عامل توجه غربیان به دین اسلام و در رأس آن حضرت محمد ﷺ، به این مسئله برمی‌گشت که اسلام با این ادعای موجه که تکمیل‌کننده ادیان ابراهیمی است، پا به عرصه گذاشته است. این نکته مسیحیت را به نشان دادن عکس‌العملی واداشت که نتیجه آن نگارش آثار فراوان شرق‌شناسان درباره جهان اسلام از دیرباز تا امروز است.^۱ از علل دیگر توسعه مطالعات شرق‌شناسی در غرب می‌توان به تلاش برای تبلیغ مسیحیت در جوامع شرقی، گسترش روابط اقتصادی غرب و شرق در قالب استعمار و رشد اسلام‌شناسی علمی در سده اخیر اشاره کرد.^۲ هرچند بررسی علمی و دانشگاهی در باب سیره و سنت رسول‌الله ﷺ در غرب از سده ۱۹ میلادی آغاز شده،^۳ ولیکن تحول نگاه به آن فراخور موقعیت زمانی - مکانی، دچار تغییر نسبی و تطور تاریخی شده است. در ابتدا سیر مطالعاتی غرب درباره جهان اسلام متأثر از غرض‌ورزی‌های دینی قرون وسطایی بود که اسلام را نیروی اهریمنی و پیامبر اسلام ﷺ را چهره ضد مسیح توصیف کردند. این غرض‌ورزی‌ها تا آنجا پیش رفت که در آثار خود کلمه محمد ﷺ را به «مخوند» به معنای تاریکی تبدیل کردند.^۴ در گذر زمان، رهایی پژوهشگران غربی از سلطه کلیسا موجب تغییر رویکرد اسلام‌شناسان غربی از رویه مجادله‌جویی به مصالحه‌جویی شد.^۵ نگاه هم‌دلانه و در برخی مواقع همراه با ستایش از سوی مستشرقین در سده‌های بعدی سبب شد که آنها در پی انفکاک خود از اسلام‌شناسان سده‌های پیشین برآیند. در این زمینه، وات از برجسته‌ترین مستشرقین، به این نکته اذعان دارد که «از همه مردان بزرگ دنیا هیچ‌یک به اندازه محمد ﷺ مورد بدگویی واقع نشده است».^۶

در زمینه گونه‌شناسی و نقد دیدگاه مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه ﷺ پیشینه قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. مطهری‌نیا (۱۳۸۹) در کتاب **مستشرقان و نبی اعظم ﷺ** به بررسی و نقد دیدگاه مستشرقانی همچون وات، شیمل، بروکلمان، ولهاوزن و آرمسترانگ در زمینه‌های مختلف زندگی رسول‌الله ﷺ پرداخته؛ ولی به نقد دیدگاه آنها درباره زندگی خدیجه ﷺ اشاره نداشته است. عبدالحمیدی (۱۳۹۴) در کتاب **مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ** نیز دیدگاه

۱. نادر پورنقشبند، «نحوه برخورد اسلام‌شناسان غرب با سیره رسول اکرم ﷺ»، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. محمود مطهری‌نیا، **مستشرقان و نبی اعظم ﷺ**، ص ۲۵.

۳. مرتضی کریمی‌نیا، «سیری اجمالی در سیره‌نگاری پیامبر اسلام در غرب»، ص ۱۴.

۴. مینو صمیمی، محمد در اروپا، ص ۱۸۷.

۵. صادق آینه‌وند، سیره‌نویسی و سیره‌نگاران، ص ۹۰؛ نادر پورنقشبند، «نحوه برخورد اسلام‌شناسان غرب با سیره رسول اکرم ﷺ»، ج ۱، ص ۳۴۹.

۶. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۲۸۹.

شرق‌شناسان را درباره ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و فلسفه آن از منظر تاریخی بررسی کرده است. گستردگی موضوع اصلی پژوهش با محوریت پیامبر صلی الله علیه و آله به نویسنده کمتر اجازه داده است که به نقد آرای مستشرقین در زمینه زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام بپردازد. همچنین در کتاب *تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دایرة المعارف اسلام* به ترجمه و نقد مدخل خدیجه علیها السلام اثر وات توجه شده است. در مقابل، در این پژوهش به بررسی آرای طیف وسیعی از مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته خواهد شد. به این ترتیب، بررسی و تحلیل انتقادی آرای مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام در نوشتاری جداگانه لازم به نظر می‌رسد. مقاله حاضر حول این پرسش سامان یافته است: نگرش مستشرقان به زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام در چه زمینه‌هایی و با چه جهت‌گیری‌هایی همراه بوده است؟ نحوه آشنایی و ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام مواجهه خدیجه علیها السلام با بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله، رحلت ایشان و پیامدهای روحی و اجتماعی آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله مؤلفه‌هایی است که شرق‌شناسان در آثار خود در این زمینه مطالبی را بیان کرده‌اند.

۱. آشنایی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله

در آثار مستشرقان درباره زندگی خدیجه علیها السلام پیش از آشنایی با رسول الله صلی الله علیه و آله اطلاعات محدودی ارائه شده است. حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد و از طایفه بنی‌اسد قبله قریش بود.^۱ پیش از آشنایی با محمد صلی الله علیه و آله دو بار با ابوهاله تمیمی و عتیق بن عائذ ازدواج کرده است.^۲ همچنین از این ازدواج‌ها، فرزندان را به دنیا آورده^۳ و از ثروتی که از همسرانش به ارث برده بود، کسب‌وکار پررونقی داشت.^۴ تمامی مستشرقان، از خدیجه علیها السلام با لفظ «بیوه ثروتمند» یاد کرده‌اند. درخصوص آشنایی مستقیم خدیجه علیها السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله دو دیدگاه در میان مستشرقان رایج است. کِلین معتقد است که خدیجه در جست‌وجوی فردی برای نظارت بر کاروان‌ها بود که ابوطالب به وی گفت: «بهتر از فردی از قریش که به وی امین می‌گویند، نمی‌توان پیدا کرد»^۵ و خدیجه علیها السلام به محمد صلی الله علیه و آله پیغامی فرستاد که کاروان او را به شام برد.^۶ در دیدگاه دوم، ابوطالب به محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد خدمت به خدیجه علیها السلام را می‌دهد.^۷ محمد صلی الله علیه و آله به خوبی

۱. مونتگمری وات، «خدیجه» ج ۴، ص ۸۹۸.

۲. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۷۸؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴؛ نبیا ابوت، عایشه

همسر پیغمبر (ص)، ص ۱۴؛ مونتگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۸.

۳. مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن (عصر ایمان)،

ص ۳۱؛ ویلیام مویر، زندگی محمد و تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۲۱.

۴. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳.

۵. همان.

۶. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۷۸.

۷. آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۴۱۱.

می‌دانست که قریشی در مکه وجود ندارد که مشتاق خدمت در تجارت با خدیجه علیها السلام نباشد.^۱ به هر نحو، محمد صلی الله علیه و آله در مقام مباشر کاروان^۲ یا پیشکار کالاهای تجاری^۳ یا عامل تجاری^۴ یا اجیر^۵ در خدمت خدیجه علیها السلام درآمد. محمد صلی الله علیه و آله همراه با کاروان برای تجارت به شام رفت و خدیجه علیها السلام غلام خود، میسره را به همراه او فرستاد.^۶ خدیجه مزد او را در این سفر دو برابر بیشتر از مزدی که به مردان قریش می‌داد، یعنی چهار شتر به جای دو شتر، اختصاص داد.^۷ این تجارت بسیار موفقیت‌آمیز و پرمنفعت بود و سود سرشاری از حد معمول داشت^۸ و احتمالاً کاروان‌ها را مملو از کالا، غلات و درهم نقره برگردانده است.^۹ در بازگشت، میسره برای خدیجه علیها السلام درباره سفر این گونه بیان کرده است: «راهبی من را به کنار کشید و گفت این محمد همان پیامبری است که عربستان مشتاقانه منتظر اوست؛ چراکه دو فرشته بر فراز سر او، وی را از آفتاب محافظت می‌کردند».^{۱۰} خدیجه علیها السلام با مشاهده حسابرسی دقیق و امانت وی متوجه شد که گنج پیدا کرده است و بهتر دید که او را در امن خود قرار دهد.^{۱۱} وی این جریان را با پسرخاله خود، ورقه‌بن نوفل در میان گذاشت و ورقه سخن او را تأیید کرد.^{۱۲} «لینگر و لوبون از ورقه‌بن نوفل به عنوان عموزاده خدیجه علیها السلام یاد می‌کنند».^{۱۳} پس از این حادثه، اعتماد خدیجه علیها السلام به محمد صلی الله علیه و آله بیشتر شد.

۱-۱. نقد و بررسی آشنایی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله

به‌رغم شهرت اخبار در منابع تاریخی مبنی بر ازدواج‌های پیشین حضرت خدیجه علیها السلام، که در آرای مستشرقان^{۱۴} اثرگذار بوده است، نقل قول کوفی نشان می‌دهد که خدیجه علیها السلام از زنان عذرا و باکره پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و پیش از ازدواج با

۱. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۴.
۲. آندره میکال، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، ص ۶۷.
۳. مونتگمری وات، «محمد (ص)»، در تاریخ اسلام کمبریج، ص ۷۳.
۴. ایلپاپاولویچ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۴؛ همیلتن گیپ، محمدیسم؛ بررسی تاریخی، ص ۲۴؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳.
۵. ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۱.
۶. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۷۸-۷۹؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴.
۷. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۷۹؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۴۰؛ دیوید سموئل مارکلیوت، گسترش اولیه محمدیسم، ص ۲۵۰؛ ویلیام مویر، زندگی محمد و تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۱۶.
۸. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۴۰؛ ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۱.
۹. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳.
۱۰. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۱۱. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳.
۱۲. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۵.
۱۳. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۸۱؛ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۸.
۱۴. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ بر پایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۷۸؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴؛ نبیا ابوت،

ایشان، با مرد دیگری وصلت نکرده است.^۱ ابن شهر آشوب نیز تردیدهای جدی بر این نظر غالب وارد کرده است.^۲ هرچند وی این خبر را در خاتمه اقوال معروف درباره ازدواج‌های پیشین خدیجه علیها السلام آورده، اما با در نظر گرفتن چنین واقعیت تاریخی، احتمال جدی وجود دارد که طرفداران عایشه در تلاش بوده‌اند تا باکره بودن وی را در قیاس با خدیجه علیها السلام و دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پررنگ جلوه دهند و چنین القا کنند که پیامبر با هیچ زن باکره‌ای جز عایشه ازدواج نکرده است.^۳ این فرضیه زمانی به واقعیت مبدل می‌شود که برخلاف روایت نخستین سیره‌نگار جهان اسلام، یعنی ابن اسحاق،^۴ ادامه این نقل قول که حاکی از نازایی عایشه بوده، در آثار پس از او حذف شده است و آن بخش نخست از روایت به عنوان فضیلت بر دیگر همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله، به طور مکرر مورد توجه مورخان و محدثان بوده است؛ درحالی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وصلت با زن ولود (بچه‌زا) را بر زن عقیم (نازا) ترجیح می‌داد و این فضیلتی است که خدیجه علیها السلام برخلاف عایشه، از آن بهره‌مند بود.^۵

همچنین دلایل دیگری وجود دارد که این مدعا را از قطعیت بیشتری برخوردار می‌کند:

نخست اینکه حضرت خدیجه علیها السلام به سبب برخورداری از نسب، شرف، زیبایی، دوراندیشی و هوش و ثروت فراوان، گزیده‌ترین زن قریش بود و خواستگاران زیادی از بزرگان این قبیله و رجال وقت داشت، اما به هیچ‌یک از آنها، جز محمد صلی الله علیه و آله - که وضعیت مالی چندان نداشت - متمایل نگشت؛^۶ زیرا از یک سو محمد صلی الله علیه و آله در میان مردم مکه به «امانت‌داری» ملقب بود^۷ و از سویی دیگر، خدیجه علیها السلام در بین زنان قریش به «پاکدامنی» شهرت داشت^۸ و این ویژگی مشترک سبب گردید تا خدیجه علیها السلام همسری را در تراز معیارهای اخلاقی خویش برگزیند و محمد صلی الله علیه و آله را بر اشرافیت مکه ترجیح دهد؛ چنان که به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «من به سبب خویشاوندی و شرف و امانت و نیک‌خویی و راستگویی، به تو راغبم».^۹ افزون بر این، پدر حضرت خدیجه علیها السلام، خویلد بن اسد، قبل از نبردهای فجار از دنیا رفته بود و

^۱ عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۱۴؛ موتنگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۸؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ ویل دورانت، تاریخ

تمدن (عصر ایمان)، ص ۳۱؛ ویلیام مویر، زندگی محمد و تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۲۱؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳.

۱. ابوالقاسم علی بن احمد کوفی، الاستغاثه، ص ۱۱۵.

۲. محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، المناقب، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. «لَمْ يَتَزَوَّجْ بَكْرًا غَيْرَهَا» محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۵۹۰؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۷، ص ۵؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۴؛ احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، ج ۷، ص ۱۲۹.

۴. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۵۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۷. «لیس له اسم بمكة إلا الأمين» عبدالمکب بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

۸. «کانت تدعى فى الجاهلية الطاهرة» محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۲۳.

یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ علی بن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۷۸؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۹۹.

۹. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱.

عموی او عمرو نیز به سبب کهولت سن از چنان تسلطی برخوردار نبود که وی را مجبور به ازدواج کند.^۱ بنابراین، چنین برمی آید که شخصیت والای خدیجه علیها السلام در انتظار همسر مناسب و دارای فضل و کمالاتی چون محمد صلی الله علیه و آله بوده است تا در نهایت با او ازدواج نماید.

دوم، تناقض های فراوانی است که در باب اسامی همسران ادعایی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد.^۲ اینکه نام شوهر حضرت خدیجه علیها السلام ابو هاله نباش بن زراره^۳ بوده است یا ابو هاله زرار بن نباش^۴ یا ابو هاله مالک بن نباش تمیمی^۵ یا مالک بن زراره^۶ یا هند،^۷ در منابع تاریخی اختلافات زیادی مشاهده می شود. همچنین در اینکه ابتدا با ابو هاله ازدواج کرده است یا با عتیق بن عائذ،^۸ یا اساساً این فرد جزو صحابی پیامبر بوده، اختلاف نظر وجود دارد.^۹

تعییری که تحت عناوین مباشر، پیشکار، عامل، اجیر و مانند آن از سوی مستشرقان،^{۱۰} طی سفر تجاری به شام درباره پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شده است، در این دوره زمانی با واقعیات تاریخی سازگار نیست؛ زیرا که همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله به شکل مضاربه یا مشارکت بوده است و حضرت خدیجه علیها السلام در جریان سفر شام، اموال و غلام خود را نیز در اختیار آن حضرت قرار داد.^{۱۱} همچنین مورخان اسلامی بر این امر تصریح کرده اند که حضرت خدیجه علیها السلام افرادی را به شکل مضاربه به همکاری دعوت می کرد.^{۱۲} افزون بر این، بنا به نهی در روایات منابع کلامی متقدم، اجیر شدن (اجاره نفس)

۱. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۴؛ علی بن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۲ و ۴۱.

۳. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۵؛ محمد بن حبیب بغدادی، المنق، ص ۳۴۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ عبدالملک بن محمد واعظ خرگوشی، شرف النبی، ص ۲۰۱؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۳۵؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۳۲۸.

۴. ابن قتیبہ دینوری، المعارف، ص ۱۳۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ علی بن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۳۰۷.

۵. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۵۳۵؛ احمد بن علی مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۶، ص ۲۹۵.

۶. محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۳۵.

۷. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۱؛ محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۷۸؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۰۶؛ ابن حزم علی بن احمد، جمهره أنساب العرب، ص ۲۱۰؛ محمد بن محمد بن سید الناس، عیون الأثر، ج ۱، ص ۶۵.

۸. یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۷؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۹۹.

۹. احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۳۲۸.

۱۰. آندره میک، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، ص ۶۷؛ مونتگمری وات، «محمد (ص)»، ص ۷۳؛ ایلایا و لویج پتروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۴؛ همیلتن گیپ، اسلام؛ بررسی تاریخی، ص ۴۲؛ بنی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۳؛ هری ریچاردسون، ناگفته های داستان اسلام محمد، ص ۱.

۱۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰.

۱۲. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۸؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲؛ محمد بن احمد دولابی، ذریعة الطاهره، ص ۴۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰؛ علی بن اثیر، اسد الغابه، ج ۶، ص ۸۰.

مؤمن نزد صاحب کار به کراهت حمل شده است؛ زیرا با تمسک به این طریق، راه به دست آوردن روزی را برای خود محدود می سازد.^۱ رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این امر مستثنا نبود؛ چنان که یعقوبی تصریح کرده بود، پیامبر هرگز اجیر کسی نشد.^۲ این مسئله که گزارش های میسر پیرامون کرامات و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله، بذر آشنایی با محمد را در دل خدیجه علیها السلام نهاد، از مسلمات تاریخ است و منابع اصیل تاریخی آن را بیان کرده اند و دلیلی برای اشتیاق خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله برشمرده اند.^۳ چنین برداشتی در نگاه *آرمسترانگ* نیز وجود دارد.^۴ شاید دلیل توجه آنها به این دست از روایات تاریخی، حضور راهبی مسیحی و پیش بینی های وی در کتب متقدم باشد.^۵

۲. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله

خدیجه علیها السلام پس از بازگشت موفقیت آمیز کاروان تجاری و مشاهده نبوغ، شایستگی و پاکدامنی،^۶ محبوبیت^۷ و صداقت و پشتکار^۸ محمد صلی الله علیه و آله به وی علاقه مند شد. *ابوت* درخصوص با روابط خدیجه علیها السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اشاره می کند: «محمد جوانی خوش قیافه و برانده بود. در همان اوایل امر به صورت رؤیایی شیرین در انظار جلوه گر شده بود. بدین علت، قلب کارفرمای سالخورده و نیکو کارش خدیجه را تسخیر کرد و رؤیای شیرین این بانوی بیوه تحقق یافت».^۹ برخی مستشرقان معتقدند در امر ازدواج، خدیجه علیها السلام پیشقدم شده و پیشنهاد ازدواج را به محمد صلی الله علیه و آله داده است.^{۱۰} خدیجه علیها السلام در این باره به محمد صلی الله علیه و آله گفت: «من تو را ای عموزاده، خود دوست دارم، زیرا تو با من خویشاوندی؛ و مردم برای تو احترام قائل اند، زیرا تو امینی؛ و تو دارای شخصیتی جالب و جذاب می باشی و در گفتار خود صادق هستی».^{۱۱}

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱؛ محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.

۳. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۶۶؛ علی بن اثیر، اسدالغابه، ج ۱، ص ۲۳؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۹۹.

۴. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۵. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۴؛ محمد بن حبیب بغدادی، المجبر، ص ۷۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۱.

۶. آلن دوسلیه و رژه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۰۹ و ۱۱۲.

۷. برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۳.

۸. آنه ماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۱۱۳؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴.

۹. نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۶.

۱۰. مارتین لینگز، محمد (ص)، برپایه کهن ترین منابع، ص ۸۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۵؛ موتگمری وات،

محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ کارل بروکلمان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۲۲؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۴۱.

۱۱. توماس واکر آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ص ۹.

در ابتدا، محمد ﷺ فقر خود را بهانه قرار داد؛ اما وقتی اصرار خدیجه ﷺ را دید، پیشنهاد ازدواج را پذیرفت.^۱ پس از ازدواج قرار شد محمد ﷺ، بیست ماده شتر به عنوان مهر به خدیجه ﷺ بدهد.^۲ ایشان نیز در روز عروسی، زبرد، برده جوان پانزده ساله را به محمد ﷺ هدیه داد.^۳ در میان مستشرقان، سایکس درباره این ازدواج می‌افزاید: «خدیجه پس از تحصیل اجازه از پدرش، ولی با تدبیر و حيله، به نکاح محمد درآمد». ^۴ همچنین آندره تور و مویر در این زمینه شرح می‌دهند که خدیجه ﷺ برای گرفتن رضایت پدرش، وی را با شراب مست کرد؛ چراکه از راه دیگر نمی‌توانست رضایت او را جلب کند.^۵ در مقابل، وات تأثیرپذیری خدیجه ﷺ از معجزات محمد ﷺ و کسب موافقت پدر ایشان در حالت مستی را رد می‌کند و آن را غیرقابل قبول می‌داند.^۶ مستشرقین از این ازدواج با عنوان تحولی بزرگ در زندگی محمد ﷺ،^۷ گامی مهم و نقطه عطفی در زندگی و رسالت ایشان یاد کرده‌اند^۸ و حتی کثر نقطه اوج زندگی پیامبر قبل از آغاز وحی را ازدواج دانسته است.^۹

در زمینه سن ازدواج، اکثریت منابع سن محمد ﷺ را ۲۵ سال و خدیجه ﷺ را چهل سال گفته‌اند.^{۱۰} البته برخی منابع سن پیامبر را ۱۱۳۴ یا ۱۲۲۸ یا ۱۳۳۹ سال بیان کرده‌اند. از میان مستشرقان، وات، آرمسترانگ و کلن سن خدیجه ﷺ را با تردید پذیرفته‌اند. آنها با بیان آنکه خدیجه ﷺ توانست برای محمد ﷺ شش فرزند بیاورد، احتمال

۱. آندره تور، محمد: انسان و باورش، ص ۴۱.

۲. مارتین لینگز، محمد(ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۸۳؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶.

۴. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۷۰۸.

۵. آندره تور، محمد: انسان و باورش، ص ۴۱؛ ویلیام مویر، زندگی محمد و تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۲۳.

۶. مونتگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۸.

۷. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴.

۸. توی کرافورد، «محمد و اسلام قرآن»، ج ۵، ص ۴۷۶؛ مونتگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۸.

۹. ماریون هولمز کتز، تولد پیامبر اسلام محمد؛ تقوای مذهبی در اسلام سنی، ص ۳۷.

۱۰. آنه‌ماری شیمیل، محمد، رسول خدا، ص ۱۳؛ مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ توماس کارلایل، تاریخ حیات پیامبر اسلام(ص)، ص ۹؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۱۴؛ آلن دوسلیه و روزه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۰۹؛ سوردل دومینیک، اسلام، ص ۱۱۳؛ هوستون اسمیت، «مذهب انسانی»، ص ۱۰۹؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۳؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۷؛ فیلیپ حتی، شرق نزدیک در تاریخ، یک برگشت پنج‌هزار ساله، ص ۲۰۴؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۷۰۸؛ برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۳؛ آندره تور، محمد: انسان و باورش، ص ۴۱؛ توی کرافورد، «محمد و اسلام قرآن»، ج ۵، ص ۴۷۶.

۱۱. ایلیا پاولویچ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۳۴.

۱۲. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ص ۳۲.

۱۳. آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی(۱)، ص ۶۷.

داده‌اند که خدیجه را چند سالی باید جوان تر فرض کرد.^۱ به نظر می‌رسد در واقع مورخان بر آن بوده‌اند تا در سن حقیقی خدیجه علیها السلام مبالغه کنند تا بر مسن تر بودن وی از همسرش تأکید کرده، این مطلب را القا نمایند که به عنوان زنی صاحب جاه، صرفاً محمد صلی الله علیه و آله را برای خود انتخاب کرده است.^۲ البته در مدخل «محمد» در *دائرة المعارف اسلام* سن خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج ۴۳ سال ذکر شده است.^۳ ثمره این ازدواج، چهار پسر و دو دختر بود که پسرها در خردسالی درگذشتند.^۴ خاورشناسانی همچون *لوبون*، *دوسلیه* و *کلن* برای خدیجه علیها السلام چهار دختر و سه پسر برشمرده‌اند.^۵ همچنین *آرمسترانگ* اسامی فرزندان پیامبر را ذکر می‌کند و کثیر نیز به داستان تولد حضرت فاطمه علیها السلام و آمدن کنیزان آسمانی اشاره می‌نماید.^۶

مستشرقان به تفصیل به پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و معنوی ازدواج خدیجه علیها السلام و محمد صلی الله علیه و آله اشاره کرده‌اند. برخی از منظر اقتصادی این ازدواج را تحلیل کرده‌اند. از منظر *وات*، این ازدواج موجب تقویت روحی محمد صلی الله علیه و آله شد و به او این فرصت را داد که نبوغ خود را تنها در راهی که مورد توجه مکه بود، یعنی تجارت، به کار اندازد.^۷ حتی در این باره بیان می‌کند: «تأمین اقتصادی که با ازدواج به دست آمد، مرد جوان را قادر کرد تا تمایل خود را به تفکر، درون غاری دورافتاده بر فراز تپه لم یزرع در بیرون شهر مکه تعقیب کند».^۸ همچنین این ازدواج، محمد صلی الله علیه و آله را از گرفتاری اقتصادی و تلاش برای قرصی نان آزاد کرد و وی توانست استقلال مالی به دست آورد.^۹ این ازدواج از نظر دیگر شرق شناسان، ازدواج مسعود،^{۱۰} درخشان،^{۱۱} توأم با خوشبختی و شادی^{۱۲} برای دو طرف بوده است. محمد صلی الله علیه و آله

۱. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۵؛ مونگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۵.
۲. مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱.
۳. بوهل، «محمد» در *دائرة المعارف اسلام*، ج ۷، ص ۳۶۲.
۴. مارتین لینگز، محمد (ص)، برپایه کهن ترین منابع، ص ۵۰۶؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ کارل بروکلمان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۳۲؛ زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۵۱۲؛ هری ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۱؛ همیلتون گیپ، محمدیسم؛ بررسی تاریخی، ص ۲۴؛ امیل درمنگهم، مردان خردمند؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۵؛ مونگمری وات، محمد در مکه، ص ۶۴؛ مارشال هاجسن، آینده اسلام، ج ۱، ص ۱۵۸.
۵. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۲۲؛ آلن دوسلیه و روه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۲؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۵.
۶. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ ماریون هولمز کتر، تولد پیامبر اسلام محمد؛ تقوای مذهبی در اسلام سنی، ص ۳۸.
۷. مونگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴.
۸. فیلیپ حتی، شرق نزدیک در تاریخ، یک برگشت پنج هزار ساله، ص ۲۰۴.
۹. ایلیا پاولویچ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۴؛ نیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۶؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۲۱.
۱۰. ایلیا پاولویچ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۴.
۱۱. آلن دوسلیه و روه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۲.
۱۲. آنهماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۱۳؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۲؛ امیل درمنگهم، مردان خردمند؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۵؛ مریکا الیاد، تاریخ عقاید مذهبی، ج ۳، ص ۶۳.

بعد از این ازدواج، موقعیتی راحت^۱ و زندگی مرفهی را آغاز کرد^۲ و فرصت تفکرات روحانی و معنوی را به واسطه فداکاری مؤثر و پر دامنه همسر توانا و شایسته خود یافت.^۳

۱-۲. نقد و بررسی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله

از بررسی دیدگاه برخی مستشرقان^۴ به نظر می‌رسد که آنها در بحث آغاز ازدواج، با الهام گرفتن از روایات مورخانی چون ابن هشام، طبری و ابن اثیر، سعی در شاخ و برگ دادن به این داستان داشته‌اند. طبق این روایات، زمانی که آوازه امانت، درستی، فضیلت و بزرگواری محمد صلی الله علیه و آله در مکه پیچید و به نام «محمد امین» شهرت یافت، خدیجه علیها السلام به این فکر افتاد تا با وی کار کند؛ از این رو سفر تجاری شام را با این مقدمه به او پیشنهاد داد که «آنچه مرا شیفته تو کرده، همان راستگویی، امانت‌داری و اخلاق پسندیده تو است و من حاضر مالم با غلامی به نام میسره در اختیار تو قرار بدهم و در مقابل، بیش از آنچه به دیگران می‌دادم، به تو بپردازم».^۵ محمد که از وضع نامطلوب زندگانی سرپرست و عموی خویش ابوطالب بر اثر پیری و کثرت عائله و کمی درآمد آگاه بود، این پیشنهاد خدیجه را پذیرفت.^۶ همچنین، از یک سو، حضور محمد در این سفر تجاری برکت‌های فراوانی را برای کاروان خدیجه به بار آورد، و از سویی دیگر، خدیجه علیها السلام پس از شرح جزئیات این سفر از جانب میسره، مجذوب شخصیت او شد و فرستاده‌ای را نزد محمد فرستاد تا جوابی عدم ازدواج وی شود و رغبت و علاقه خویش را به اطلاع او برساند.^۷ بنا بر این نقل تاریخی، ادعای پیشقدم شدن خدیجه علیها السلام در پیشنهاد ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله، از جانب برخی مستشرقان تأیید می‌شود.^۸ از سویی دیگر، صرفاً شرایط مادی و زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان دلیلی برای ازدواج از منظر حضرت خدیجه علیها السلام - که بابت آن را به تاسی از تفاوت‌های طبیعی بین فرهنگ آنان و فرهنگ دینی مسلمانان مطرح کرده بود -^۹ مورد تردید واقع می‌شود.

۱. موتغمیری وات، «محمد(ص)»، در تاریخ اسلام کمبریج، ص ۷۳.

۲. سوردل دومینیک، اسلام، ص ۱۱۳؛ هوستون اسمیت، «مذهب انسانی»، ص ۱۰۹؛ جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص ۱۸.

۳. نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۶.

۴. آن دولیسه و روزه آرئالز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۲ و ۱۰۹؛ برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۳؛ آنهماری شیمل، محمد، رسول خدا،

ص ۱۱۳؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۴.

۵. عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱؛ علی بن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۹.

۶. همان.

۷. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱.

۸. مارتین لینگز، محمد(ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۸۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۵؛ موتغمیری وات،

محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ کارل بروکلمان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۲۲؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۴۱.

۹. نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۶.

آن بخش از دیدگاه مستشرقان که بر مشروب خوردن حضرت خدیجه علیها السلام بر پدرش برای کسب اجازه ازدواج اشاره دارد، از دعاوی نادرستی است که منابع متقدم بر آن تأکید ورزیده‌اند؛ زیرا چنان که گفته شد، پدر خدیجه، خویلد بن اسد، پیش از جنگ‌های فجار در گذشته بود^۱ و عموی ایشان که وکالت را در امر ازدواج عهده‌دار بود، سبطه‌ای بر وی نداشت تا او را مجبور به ازدواج کند. همچنین خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت به سبب عفت و پرهیزگاری سرآمد زنان عصر خود بود و به «طاهره» و «سیده نساء قریش» معروف گشته بود.^۲ بر این اساس، آندره تور و مویر با استناد به برخی منابع متقدم و به دور از تطبیق اخبار مرتبط با خدیجه علیها السلام و بر اساس فرهنگ حاکم بر فضای شرق‌شناسی، به چنین استدلالی دست یافته‌اند.^۳

درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج، اختلافاتی در روایات تاریخی دیده می‌شود؛ چنان که در برابر نقل مشهور چهل سالگی ایشان، اقوال مطرحی چون قول ۲۵ یا ۲۸^۴ سال وجود دارد. به رغم طرح اقوال ضعیف‌تری چون ۳۰، ۳۵^۵ و ۴۵^۶ سالگی از سوی ابن‌کثیر و حلبی و نیز ۴۶ سالگی از جانب بلاذری،^۷ غالباً منابع تاریخی متقدم نقل مشهور چهل سالگی را ترجیح داده‌اند.^۸ احتمالاً تاریخ‌نگاران عرب رقم «چهل» را به دلیل آنکه طبق روایات و قرآن نشانگر یک دوره کامل بوده است، انتخاب کرده‌اند.^۹ بنا بر این نقل مشهور، غالب مستشرقان نیز بر این عقیده‌اند که خدیجه علیها السلام در آن برهه از زمان چهل ساله بوده‌اند.^{۱۰}

۱. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۲.
۲. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۸۲؛ عبدالملک بن هشام، سیره النبی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۲۳.
۳. آندره تور، محمد: انسان و باورش، ص ۴۱؛ ویلیام مویر، زندگی محمد و تاریخ اسلام، ج ۲، ص ۲۳.
۴. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ اسماعیل بن کثیر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۲۹۵؛ علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴.
۵. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳؛ محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۷۹؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ محمد بن احمد دولابی، ذریة الطاهره، ص ۵۲؛ علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴.
۶. علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴.
۷. اسماعیل بن کثیر، البداية و النهایة، ج ۲، ص ۲۹۵؛ علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴.
۸. علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیة، ج ۱، ص ۲۰۴.
۹. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.
۱۰. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳؛ محمد بن حبیب بغدادی، المحبر، ص ۷۹ و ۱۰؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰.
۱۱. احقاف: ۱۵.

۱۲. آنه‌ماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۱۳؛ مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ توماس کارلایل، تاریخ حیات پیامبر اسلام (ص)، ج ۹؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۱۴؛ آلن دوسلیه و روزه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۰۹؛ سوردل دومینیک، اسلام، ص ۱۳؛ هوستون اسمیت، «مذهب انسانی»، ص ۱۰۹؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۳؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ گوستاو لوبون،

شاید توجیهی که بتوان به عنوان تأییدی برای اقوال مطرح کمتر از چهل سال (۲۵ و ۲۸ سالگی) در نظر گرفت، تعداد فرزندی باشد که خدیجه به دنیا آورده است. تأیید دیگر این گفتار نیز می‌تواند وضع حمل فاطمه علیها السلام و ولادت آن بانوی محترمه در سال پنجم بعثت باشد؛ درحالی که با توجه به این واقعیت تاریخی که خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت از دنیا رفته است،^۳ ایشان دوران شصت سالگی خود را سپری می‌کند. بنابراین، چنین رخدادی کمی بعید به نظر می‌رسد و همین موضوع سبب شده است تا قول ۲۸ سالگی نیز خالی از قوت نباشد. بر این اساس، احتمالاً استدلال‌هایی از این دست موجب شد تا *اوت* با مطرح ساختن فرضیه جوانی خدیجه علیها السلام در به دنیا آوردن فرزندان متعدد، در کنار *آرمسترانگ* و *کلن*، ضمن همسویی با سن چهل سالگی ایشان، تردید جدی را بر آن نقل مشهور وارد سازند؛^۴ یا *روتون*، جدای از پذیرش آن، سن زیاد خدیجه را مبالغه‌ای از سوی مورخان اسلامی مطرح کند.^۵

نکته مهم در اظهار نظر مستشرقانی چون *پطروشفسکی*، *پورت* و *میکل*، درباره سن پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام ازدواج است که با منابع متقدم همخوانی ندارد. با رجوع به منابع تاریخی که متفقاً بر این اعتقادند که پیامبر صلی الله علیه و آله در این برهه از زمان در ۲۵ سالگی خود به سر می‌برد،^۶ از یک سو چنین نظری مغایر با منابع تاریخی است و از سوی دیگر به دلیل مسن تر بودن خدیجه علیها السلام، در تناقض با قول ۲۵ سالگی سن ایشان در هنگام ازدواج با پیامبر قرار می‌گیرد. همچنین *بوهل* در اثر خود، سن خدیجه علیها السلام را ۴۳ سال ذکر کرده است؛^۸ درحالی که در منابع اشاره‌ای به این سن وجود ندارد.

تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۷؛ فیلیپ حتی، شرق نزدیک در تاریخ، یک برگشت پنج‌هزارساله، ص ۲۰۴؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۷۰۸؛ برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۳؛ آندره تور، محمد: انسان و باورش، ص ۴۱؛ توی کراوفورد، «محمد و اسلام قرآن»، ج ۵، ص ۴۷۶.

۱. احمدین یحیی بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ج ۱، ص ۱۰۸؛ اسماعیل بن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۲، ص ۲۹۵؛ علی بن ابراهیم حلبی، *سیرة الحلبیة*، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۳؛ محمد بن حبيب بغدادی، *المحبر*، ص ۷۹؛ احمدین یحیی بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۱، ص ۱۰۸؛ علی بن ابراهیم حلبی، *سیرة الحلبیة*، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳. محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۴؛ احمدین یحیی بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۲، ص ۳۴؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ ابن‌واضح احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۵؛ علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴. مونتگمری واتس، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ کارن آرمسترانگ (محمد(ص) زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۵؛ بتی کلن، محمد: پیامبر خد، ص ۱۵.

۵. مالیس روتون، *دنیای اسلام*، ص ۳۱.

۶. ایلپا یاولوچ، *پطروشفسکی، اسلام در ایران*، ص ۲۴؛ جان دیون پورت، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن*، ص ۳۲؛ آندره میکل، *اسلام و تمدن اسلامی* (۱)، ص ۶۷.

۷. محمد بن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۸، ص ۱۳؛ محمد بن حبيب بغدادی، *المحبر*، ص ۷۹ و ۱۰؛ ابن‌قتیبه دینوری، *المعارف*، ص ۱۳۳؛ احمدین یحیی بلاذری، *انساب‌الأشراف*، ج ۱، ص ۱۰۸؛ محمد بن احمد دولابی، *ذریة الطاهرة*، ص ۵۲؛ محمد بن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۲، ص ۲۸۰؛ احمدین حسین بیهقی، *دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۷۳؛ علی بن اثیر، *اسدالغابه*، ج ۱، ص ۲۳؛ اسماعیل بن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۲، ص ۲۹۵.

۸. بوهل، «محمد» در: *دائرة المعارف اسلام*، ج ۷، ص ۳۶۲.

در شمار دختران خدیجه علیها السلام اختلافی نیست؛ چنان که اکثر منابع بر نام‌های زینب، رقیه، ام‌کلثوم و فاطمه اتفاق نظر دارند؛ اما برخی^۱ برخلاف نظر همسوی/لوبون، دوسلیه و کلن^۲ با منابع تاریخی، تعداد دختران را دو تن ذکر کرده‌اند. در تعداد و نام‌های پسران ناهماهنگی‌هایی در منابع تاریخی دیده می‌شود؛ چنان که بر آرای مستشرقین نیز تأثیر گذاشته است. به نظر می‌آید برخی مستشرقان^۳ به تاسی از طبری، پسران حضرت را چهار نفر با نام‌های قاسم، طیب، طاهر و عبدالله ذکر کرده‌اند.^۴ ابن اسحاق، ابن هشام و قاضی ابرقوه در مواضعی یکسان، تنها قاسم، طیب و طاهر را از پسران ایشان برشمرده‌اند.^۵ احتمالاً لوبون، دوسلیه و کلن بر مبنای گفتار ابن سه منبع، خدیجه علیها السلام را سه فرزند پسر معرفی کرده‌اند؛ اما ابن سعد معتقد است از پسران خدیجه به جز قاسم، عبدالله نیز با القاب طیب و طاهر در دوران اسلام به دنیا آمدند.^۶ برخی از مورخان اسلامی نیز دیدگاهی مشابه ابن سعد دارند.^۷ بر این اساس، مجموع فرزندان پیامبر از خدیجه علیها السلام شش نفر شامل چهار دختر و دو پسر بوده است که دلیل اختلاف در تعداد آنها در بین مورخان اسلامی، اشتباه یا اختلاف میان اسم و لقب فرزندان پسر است و چنین برداشت می‌شود که نام‌های قاسم و عبدالله در بیشتر منابع تکرار شده و دیگر نام‌ها القاب این دو فرزند بوده است. این آشفتگی در منابع متقدم، بر آرای مستشرقین نیز مؤثر واقع گشته و دلیل اختلاف نظر آنان در تعداد فرزندان پیامبر علیها السلام از خدیجه علیها السلام شده است.

۱. مارتین لینگز، محمد(ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۵۰۶؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ کارل بروکلمان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۲۲؛ زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۵۱۲؛ همیلتون گیپ، محمدیسم؛ بررسی تاریخی، ص ۲۴؛ مونته‌گمری وات، محمد در مکه، ص ۶۴؛ هری ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۱؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۵؛ مارشال هاجسن، آینده اسلام، ج ۱، ص ۱۵۸.
۲. گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۲۲؛ دوسلیه و آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۲؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۵.
۳. مارتین لینگز، محمد(ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۵۰۶؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۱؛ کارل بروکلمان، تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۲۲؛ همیلتون گیپ، محمدیسم؛ بررسی تاریخی، ص ۲۴؛ مونته‌گمری وات، محمد در مکه، ص ۶۴؛ زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۵۱۲؛ هری ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۱؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۵؛ مارشال هاجسن، آینده اسلام، ج ۱، ص ۱۵۸.
۴. محمدین جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱.
۵. «البته ابن اسحاق در روایتی دیگر از ابن عباس دو فرزند پسر، یعنی قاسم و عبدالله را برای خدیجه متذکر شده است». محمدین اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۵؛ عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۰؛ اسحاق بن محمد قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۱۶۷.
۶. «فولدت القاسم و عبدالله «و هوالطاهر و الطیب» و زینب و رقیه و ام‌کلثوم و فاطمه» محمدین سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳.
۷. محمدین حبیب بغدادی، المجر، ص ۷۹؛ ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۰؛ محمدین احمد دولابی، ذریعة الطاهرة، ص ۶۶؛ عبدالملک بن محمد واعظ خرگوشی، شرف‌النبی، ص ۱۹۷؛ علی بن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۱؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۱۰۰.

ادعای مستشرقان^۱ که ثروت حضرت خدیجه علیها السلام وضع اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله را متحول ساخت، با مشاهده وضع زندگانی شخصی پیامبر پس از ازدواج با همسر ثروتمندی چون خدیجه علیها السلام، رد می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که می توانست از اموال خدیجه در جهت رفاه و آسایش خود بهره گیرد، همواره خود را هم سطح فقیران جامعه نگه داشت و زندگانی وی با پیش از ازدواج تفاوتی نداشت.^۲ همچنین در این باره که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ماجرای سفر شام و ازدواج با خدیجه علیها السلام دست به کارهای تجاری زده یا نبوغ خود را در راه تجارت مکه به کار انداخته باشد،^۳ نمی توان به یک واقعیت قطعی دست یافت؛ چنان که مورخان در این باره سکوت کرده اند. گرچه بنا به احتمالات مفسران قرآن درباره آیه شریفه «وَوَدَّكَ عَائِلًا فَاَغْنَى»^۴ اشاره به رهایی پیامبر صلی الله علیه و آله از فقر مالی پس از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام دارد،^۵ لکن وجود روح قناعت و شکرگزاری و غنای علمی از طریق نزول وحی^۶ و نیز استجابت دعا و بی نیازی ایشان از مخلوقات،^۷ سبب شد تا ثروت خدیجه علیها السلام در مسیر پیشبرد اهداف الهی رسول خدا صلی الله علیه و آله هزینه شود و صرف توسعه زندگی، رفاه و آسایش شخصی نگردد؛ چنان که بخش قابل توجهی از اموال خدیجه علیها السلام مصروف محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابی طالب گشت^۸ و این ماجرا شاهدی تاریخی بر این مدعاست.

۳. حضرت خدیجه علیها السلام و بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله

در مقطع زمانی ازدواج تا بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله در منابع متقدم اطلاعات محدودی وجود دارد و این مسئله در آثار مستشرقان انعکاس یافته است. در این میان، تحلیل و ارائه مطالب برخی مستشرقان سرشار از عناد و غرض ورزی است؛ به گونه ای که ورتو بر اساس تصویرگری های ضد اسلام قرون وسطی معتقد است پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آنکه با ازدواج به شکوه و شهرت رسیده بود، اکنون برای رسیدن به قدرت بهترین روش را در بنیان نهادن دینی جدید احساس کرد.^۹

۱. ایلیا پولویچ پطروفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۴؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۶؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۲۱؛ مونتگمری وات، «محمد (ص)»، در تاریخ اسلام کمبریج، ص ۷۳؛ سوردل دومینیک، اسلام، ص ۱۳؛ هوستون اسمیت، «مذهب انسانی»، ص ۱۰۹؛ جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ص ۱۸.

۲. رک: محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۱-۳۱۴-۳۴۷.

۳. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۴؛ فیلیپ حتی، شرق نزدیک در تاریخ، یک برگشت پنج هزار ساله، ص ۲۰۴.

۴. ضحی: ۸.

۵. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۶۹.

۶. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۷.

۷. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۱۱.

۸. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۹. مینو صمیمی، محمد (ص) در اروپا، ص ۲۸۴.

زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در حدود چهل سالگی ناگهان تغییر پیدا کرد.^۱ پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله صدای وحی را برای نخستین بار در غار حرا شنید، هراسان به خانه برگشت و از خدیجه علیها السلام خواست که وی را بیوشاند.^۲ خدیجه علیها السلام در این زمان او را در آغوش گرفت و سعی می کرد با نوازش، وحشت را از او دور کند.^۳ با اینکه در ابتدا به نظر می رسید «محمد [ص] دیوانه یا مریض شده است، ولیکن جریان دعوت را با خدیجه در میان گذاشت».^۴ پورت در این خصوص می افزاید: «خدیجه حتی یک دقیقه در اعلام ایمانش مسامحه نداشت. این جمله باید به افتخار محمد نوشته شود که برای او نیز ایمان خدیجه تعجب نداشت؛ زیرا محمد ثابت کرده بود که برای این زنی که او را با محبت و عشق از فشار نیازمندی نجات داده است، مهربان ترین و دقیق ترین شوهر است».^۵

مستشرقان به کرات از وابستگی روحی-روانی پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت به خدیجه علیها السلام نوشته اند. خدیجه علیها السلام هرگز شک و تردیدی از گفتار محمد صلی الله علیه و آله به خود راه نداد و هرگز به فکرش نرسید که محمد صلی الله علیه و آله چیزی جز واقعیت می گوید.^۶ خدیجه علیها السلام رؤیا و حالات عارضه بر محمد صلی الله علیه و آله را مظهر واقعی اراده خدا تلقی کرد.^۷ خدیجه علیها السلام از صمیم قلب دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و پیامبر سپاس ایمان او را که از آشفتن دلش تراوش داشت، نمود. برای کسی هیچ چیز لذیذتر از آن نیست که در رأی و عقیده خود شریک و هم عقیده ببیند.^۸ خدیجه علیها السلام اظهارات محمد صلی الله علیه و آله را با ورقه بن نوفل در میان گذاشت و او به وی اطمینان داد که محمد صلی الله علیه و آله صاحب شریعت خواهد بود.^۹ بدین ترتیب، خدیجه علیها السلام مجاب شد که آنچه محمد صلی الله علیه و آله دیده، وحی صادق و آسمانی است و او را تشویق، تشجیع و متقاعد کرد که رسالت خویش را به مردم اعلام کند.^{۱۰}

۱. آنه ماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۱۳.

۲. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن ترین منابع، ص ۹۷؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۲۵.

۳. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶ و ۱۲۲؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۸.

۴. آلن دوسلیه و روزه آرنالز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۸؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۸.

۵. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ص ۲۳.

۶. آلن دوسلیه و روزه آرنالز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۸ و ۲۸۳؛ برتولد اشیولر، جهان اسلام، ص ۲۴.

۷. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ص ۲۳.

۸. توماس کارلایل، تاریخ حیات پیامبر اسلام(ص)، ص ۱۴-۱۵.

۹. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن ترین منابع، ص ۹۷؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۲۳؛ فیلیپ حتی، تاریخ

عرب، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۸؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۲۱؛ مارشال هاجسن، آینده اسلام، ج ۱،

ص ۱۶۲؛ ریتزوی فیزر، «محمد» در: دایرةالمعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹.

۱۰. مونتهگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۰۱؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۱۷؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۲۴؛ مریکا الیاد، تاریخ

عقاید مذهبی، ج ۳، ص ۶۳.

اکثریت مستشرقان، خدیجه علیها السلام را نخستین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند.^۱ پس از آن، خدیجه علیها السلام با محمد صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد.^۲ با آنکه طیف وسیعی از مستشرقان دیدگاه مناسبی به رابطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام داشتند، پیر بیل مدعی است که خدیجه علیها السلام به دلیل آنکه فریب خورده بود یا از روی تظاهر، راه می‌افتاد و خانه‌به‌خانه به مردم می‌گفت شوهرش پیامبر است و بدین‌وسیله می‌کوشید تا هواداران بیشتری را به‌سوی او جلب کند.^۳ خدیجه علیها السلام مشتاقانه حامی پیامبر صلی الله علیه و آله در سال‌های دعوت عمومی بود و در سال هفتم بعثت به‌همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر پیروان ایشان به شعب ابی‌طالب رفتند.^۴ در این دوره، خدیجه علیها السلام در کنار محمد صلی الله علیه و آله مقاومت و ایستادگی کرد. محمد صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از ثروت خدیجه علیها السلام را صرف مستمندان و فقرا کرد؛ تاجایی که خانواده او در مشقت نسبی به‌سر می‌بردند.^۵ در این دوره، ثروت خدیجه علیها السلام دچار ضرر عمده‌ای شد. نخست بزرگ وی، هدیه مهربانی و خیرخواهی خدیجه علیها السلام به او بود و ایشان با افتخار در نیکوکاری افراط می‌کرد.^۶ لینگز و آرمسترانگ از حوادث دوره شعب ابی‌طالب به این جریان پرداخته‌اند که از سوی برادرزاده خدیجه علیها السلام مقداری آذوقه، از جمله آرد، به شعب آورده می‌شد که اعتراض ابوجهل را در پی داشت. پس از آن، ابوجهل بر سر ابوجهل ضربه‌ای وارد می‌کند و می‌گوید: آرد از آن عمه اوست.^۸ محاصره، به‌رغم کمک‌های غذایی که به اردوگاه محمد صلی الله علیه و آله می‌آمد، آثار سوء خود را بر او و یاران و خویشاوندانش بر جای گذاشت.^۹

۱. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۰۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶ و ۱۹۳؛ موتنگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۴۴؛ مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۳۷؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۱۸؛ آلن دوسلیه و روه آرئالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۲۱؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۵؛ ایلایا و لویچ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۲۵؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۱۳ و ۶؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۷۱۱؛ آلبرت حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۳۶؛ فیلیس کورزین، امپراتوری اسلامی، ص ۱۹؛ ریچاردسون، ناگفته‌های داستان اسلام محمد، ص ۳؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۹؛ ریتزوی فیزر، «محمد» در: دایرةالمعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹.
۲. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۰۱.
۳. مینو صمیمی، محمد(ص) در اروپا، ص ۲۹۳.
۴. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳.
۵. همان، ص ۱۱۶.
۶. بوهل، «محمد» در: دایرةالمعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۶۵.
۷. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۵-۵۰.
۸. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۷۴؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳؛ موتنگمری وات، «خدیجه» در: دایرةالمعارف اسلام، ج ۴، ص ۸۹۸.
۹. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳.

۱-۳. نقد و بررسی حضرت خدیجه علیها السلام و بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله

رویکردهای دنیوی و تفسیرهای مادی لینگز، آرمسترانگ، دوسلیه و آرنالدز، کلن و درمنگهم^۱ از مقوله بعثت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز برداشت «تجربه شخصی» از وحی به آن حضرت افزون بر آنکه ناشی از روحیه اومانستی و فرهنگ انسان گرایی حاکم بر شرق شناسی است، ریشه در روایتی تاریخی دارد که صرفاً نقش خدیجه علیها السلام و ورقه بن نوفل را در تثبیت و تأیید نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله پررنگ جلوه داده است؛ درحالی که با رجوع به منابع تاریخی، راوی اصلی این خبر از سوی عایشه ذکر نشده و نقل وی فاقد سند و اعتبار است و در اصطلاح مرسل می باشد.^۲

استناد گزینشی به کتب برخی مورخان چون ابن سعد و ابن اثیر،^۳ مزید بر علت شده است تا مستشرقان در بحث تنزل کیفیت آغاز وحی به امری مادی و جسمی و نیز در نسبت دادن شک و تردید به رسول خدا صلی الله علیه و آله دچار خطا شوند. افزون بر این، پذیرش روایت، به معنای پذیرفتن ناآگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از وحی و ترس ایشان از برانگیخته شدن به امر رسالت است؛ درحالی که قرآن کریم در جایگاهی فراتر از نگاه کلامی، به عنوان منبعی اصیل در شناخت تاریخ اسلام، به این موضوع اشاره دارد که «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى؛ قلب [محمد] آنچه را دید تکذیب نکرد»^۴ و نیز منابع تاریخی چون طبری و یعقوبی روایتی را نقل می کنند^۵ که نشان می دهد حضرت از قبل دارای آمادگی وحی بوده و تدریجاً پیام های غیبی را دریافت می نموده است. بنابراین می توان این ادعا را، هم به لحاظ سندی و هم از نظر محتوایی فاقد اعتبار کافی دانست.

همچنین تصور این ادعا از سوی مستشرقان مبنی بر اینکه حضرت خدیجه علیها السلام به امر رسالت محمد صلی الله علیه و آله از سوی خداوند واقف نگردید تا به واسطه شخصیتی به نام ورقه بن نوفل بر حکم الهی ایشان صحنه گذاشته و شک خدیجه بدین طریق مرتفع شد،^۶ نادرست است. مورخان معتقدند ورقه بن نوفل مسیحی بود و پس از بعثت به دین اسلام مشرف نشد؛^۷ بنابراین چگونه ممکن است چنین شخصی خود به اسلام ایمان نیاورده باشد، ولی محمد صلی الله علیه و آله را پیامبر

۱. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ برپایه کهن ترین منابع، ص ۹۷؛ آن دوسلیه و روزه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۸؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۶ و ۱۲۲؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۱۸؛ بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۲۵.

۲. رک: محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۳؛ علی بن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۴۸ (عایشه بنا به نقل مشهور پس از بعثت متولد شده، بنابراین در زمان حادثه حضور نداشته است).

۳. همان.

۴. نجم: ۱۱؛ همچنین آیات دیگری از قرآن کریم بر آگاهی رسول خدا از رسالت خویش اشاره دارند (یوسف: ۱۰۸؛ انعام: ۲؛ بقره: ۲۸۵).

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۴؛ ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲.

۶. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ برپایه کهن ترین منابع، ص ۹۷؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۲۳؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ ژوزف لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۸؛ آندره تور، محمد؛ انسان و باورش، ص ۲۱؛ مارشال هاجسن، آینده اسلام، ج ۱، ص ۱۶۲؛ ریتزوی فیزر، «محمد» در: دایرة المعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹.

۷. رک: عبدالملک بن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۲۳؛ احمد بن یحیی بلادری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۲؛ علی بن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۶۷۲؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۴۷۶؛ علی بن ابراهیم حلبی، سیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ج ۳، ص ۵۲۱.

بداند. همچنین بر اساس روایتی موثق، هنگامی که زرارۀ بن اَعین از امام صادق علیه السلام سؤال نمود: «چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنچه بر او از سوی خدا نازل می‌گشت، ترس آن را نداشت که از وساوس شیطان باشد؟» حضرت فرمودند: «به‌راستی که خدا هرگاه بنده‌ای را به رسالت انتخاب می‌کند، آرامش و وقار خود را بر او فرومی‌فرستد؛ بدان‌گونه که هرچه از جانب خدای عزوجل بر او نازل گردد، همانند چیزی است که به چشم خود می‌بیند».^۱

چنان‌که پیداست، ناآگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از وحی، با مبانی قرآنی - عقلی و منابع تاریخی و روایی نیز سازگار نیست. فردی که رهبری امت را به‌عهده می‌گیرد، چگونه ممکن است خود از این رسالت بزرگ آگاه نباشد تا اینکه اشخاصی خارج از دایرة عصمت بر نبوت او صحه گذارند. گذشته از این، از حکمت خداوند به‌دور است که رسولش را رها سازد و خود اطمینان‌دهنده به او نباشد.

بنا بر منابع تاریخی، پس از نزول نخستین وحی از جانب خداوند، خدیجه رضی الله عنها نخستین زنی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کرد؛ به وی ایمان آورد؛^۲ با او به‌سوی قبله نماز گزارد^۳ و بدین‌صورت لقب «ام‌المؤمنین» را یافت^۴ و بنا به روایت پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از چهار بانوی اهل بهشت شد.^۵ تأییدها و تصدیق‌های خدیجه رضی الله عنها، در کنار ایجاد فضای آرامش و تسکین برای محمد صلی الله علیه و آله،^۶ و نیز حمایت‌های مالی خدیجه از مسلمانان نیازمند در جهت حفظ و ماندگاری اسلام، همگی

۱. «عن زرارة قال قلت لأبي عبد الله (ع) كيف لم يخف رسول الله (ص) فيما يأتيه من قبل الله - أن يكون ذلك مما ينزع به الشيطان قال: فقال: إن الله إذا اتخذ عبدا رسولا - أنزل عليه السكينة والوقار، فكان [الذي] يأتيه من قبل الله - مثل الذي يراه بعينه» محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۱۳۲؛ عبدالمکبّن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ محمد بن حبيب بغدادی، المحجر، ص ۴۰۸؛ محمد بن احمد دولابی، ذریعة الطاهره، ص ۵۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۵۶۷؛ یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۹؛ علی بن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۷۸.

۳. عبدالمکبّن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۲۳؛ ابن‌واضح احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴. ام‌المؤمنین، به معنی مادر مؤمنان؛ لقبی است که پس از نزول آیه ۶ سوره احزاب، در فرهنگ اسلامی به‌طور مشترک بر همسران پیامبر (ص) اطلاق گردیده است. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۵؛ فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۳۱ (از آنجا که عایشه به دلیل مواضع سیاسی و نقشی که پس از رحلت پیامبر (ص) ایفا کرد، و در نقل روایات متعددی از ایشان در میان راویان نمود یافت، اکثر منابع متقدم بنا بر بعضی جهت‌گیری‌های سیاسی، لقب ام‌المؤمنین را تنها به ایشان اطلاق نمودند). از جمله منابع تاریخی سنی که از خدیجه (س) با ذکر ام‌المؤمنین یاد کرده‌اند: علی بن احمد ابن حزم، جمهره أنساب العرب، ص ۱۶؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۵، ص ۲۶۵؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۲، ص ۳۴۲.

۵. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۴؛ ابن‌واضح احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵؛ یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۲؛ محمد بن علی بن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۲۲۲؛ علی بن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۳؛ اسماعیل بن کثیر، البداية و النهاية، ج ۳، ص ۱۲۹؛ احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۴؛ علی بن ابراهیم حلبی، سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۴۹۰.

۶. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۳؛ محمد بن احمد دولابی، ذریعة الطاهره، ج ۵، ص ۶۵؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۵۲؛ علی بن اثیر، اسدالغابه، ج ۶، ص ۸۵؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۶.

تأثیرات قابل توجهی در پیشبرد اهداف و برنامه الهی پیامبر صلی الله علیه و آله داشته‌اند. اذعان مکرر منابع متقدم بر ثروتمند بودن حضرت خدیجه علیها السلام در آستانه ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله،^۱ موجب شده است تا ورتو جلب رضایت خدیجه علیها السلام توسط محمد صلی الله علیه و آله را در پی کسب شکوه و قدرت و در جهت بنیان نهادن دینی جدید از جانب ایشان تلقی نماید؛^۲ یا فراتر از آن، حمایت‌های خدیجه علیها السلام را موجد ایمان در دل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سبب تشجیع و تشویق ایشان به امر رسالت پندارند.^۳

برخی از متقدمین با ذکر ماجرای فراهم نمودن آذوقه توسط برادرزاده خدیجه علیها السلام برای مسلمانان در شعب ابی طالب، تلویحاً به نقش خدیجه علیها السلام در عبور مسلمانان از این بحران اشاره داشته‌اند؛^۴ به گونه‌ای که این ماجرا در آرای لینگز، آرمسترانگ و وات نیز نمود داشته است.^۵ تنها یعقوبی با ذکر اهمیت ثروت خدیجه علیها السلام، سپری نمودن شرایط سخت و بحرانی شعب ابی طالب را نتیجه انفاق اموال ایشان در کنار اموال ابوطالب و محمد صلی الله علیه و آله در راه خدا دانسته است؛ به گونه‌ای که تمام دارایی خود را از دست دادند و به ناداری گرفتار آمدند؛^۶ اما در این میان، ابن سعد اموال خدیجه علیها السلام را در عبارتی مبالغه‌آمیز معادل دارایی تمام قریش معرفی نموده است.^۷ ابن جوزی کمی دقیق‌تر، اموال هزینه‌شده توسط خدیجه علیها السلام در راه اسلام را چهل هزار دینار و چهل هزار درهم دانسته است.^۸ به تعبیر استاد مطهری، این قبیل بزرگ‌نمایی دارایی خدیجه علیها السلام، عده‌ای را برانگیخت تا با محدود نمودن پیشرفت اسلام در دو چیز: مال خدیجه و شمشیر علی، یعنی زر و زور،^۹ این بهانه را به‌دست برخی بدهند که همچون بتی کلن، بنا بر برداشت‌های مادی خویش از وقایع تاریخ اسلام، ثروت خدیجه علیها السلام را شانس بزرگ محمد صلی الله علیه و آله در پیشبرد اهدافش بدانند؛^{۱۰} در حالی که به تعبیر شهید مطهری: «اگر چنانچه مال خدیجه نبود، فقر و تنگدستی شاید مسلمین را از پا

۱. «امراة تاجرة ذات شرف و مال» محمد بن اسحاق، سيرة ابن اسحاق، ص ۸۱؛ عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۸۷؛ احمد بن یحیی

بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷؛ محمد بن احمد دولابی، ذرية الطاهرة، ص ۴۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. مینو صمیمی، محمد (ص) در اروپا، ص ۲۸۴.

۳. مینو صمیمی، محمد (ص) در اروپا، ص ۲۹۳؛ مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۰۱؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۱۷؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۲۴؛ مریکا الیاد، تاریخ عقاید مذهبی، ج ۳، ص ۶۳.

۴. عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۵۳؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۳۶.

۵. مارتین لینگز، محمد (ص)؛ برپایه کهن‌ترین منابع، ص ۱۷۴؛ کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳؛ مونتگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۸.

۶. ابن‌واضح احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۷. «کانت خدیجة ذات شرف و مال کثیر و تجارة تبث الی الشام فیکون غیرها کامة غیر قریش» محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

۸. عبدالرحمن بن علی ابن‌جوزی، تذکرة الخواص، ص ۲۷۳.

۹. مرتضی مطهری، سیری در سيرة نبوی، ص ۲۱۵.

۱۰. بتی کلن، محمد؛ پیامبر خدا، ص ۱۵-۵۰.

درمی آورد. مال خدیجه خدمت کرد؛ اما نه خدمت رشوه دادن، که کسی را با پول مسلمان کرده باشد؛ بلکه خدمت به این معنا که مسلمانان گرسنه را نجات داد و مسلمانان با پول خدیجه توانستند سد رمقی کنند.^۱

۴. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام و پیامدهای آن

خدیجه علیها السلام در هنگام وفات، تقریباً ۶۵ ساله بود و به شدت از کمبود غذایی دوره تحریم شعب ابی طالب صدمه دیده بود.^۲ مستشرقان سال درگذشت خدیجه علیها السلام را ۶۱۹ میلادی یا سه ماه پیش از هجرت (سه روز پس از فوت ابوطالب) ذکر کرده اند.^۳ پورت درباره رحلت حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: «خدیجه همسر باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله، درحالی که سرش در آغوش وی بود، درگذشت. وفات این شریک زندگانی که آن قدر مورد محبت بود، درحقیقت برای او حادثه جانسوزی بود... در این هنگام، اجاق خانواده وی خاموش گردید و محمد تنها ماند».^۴

خدیجه علیها السلام در شمال قبرستان مکه مدفون شد و روز وفات ایشان از روزهایی است که مانند تولد امام حسین علیه السلام و شهادت امام علی علیه السلام در تاریخ اسلام فراموش نشدنی است.^۵ مستشرقین از وفات خدیجه علیها السلام به عنوان ضربه بسیار سنگین و سخت^۶ برای پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده و سال درگذشت وی در کنار درگذشت ابوطالب را همانند مورخان متقدم، سال اندوه بیان نموده اند.^۷ پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که خدیجه علیها السلام در قید حیات بود، همسری دیگر اختیار نکرد.^۸ پس از آن، محمد صلی الله علیه و آله همسران دیگری برای خود برگزید و مستشرقان برای ایشان تا نه همسر برشمرده اند.^۹ البته هیچ کدام از آنها نتوانستند جایگاه خدیجه علیها السلام را بگیرند.^{۱۰}

پیامدهای متعدد رحلت حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه مستشرقان عبارت اند از:

۱. مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۵.
۲. مارتین لینگز، محمد(ص)، برپایه کهن ترین منابع، ص ۲۰۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۸۵.
۳. فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۵؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۱۶؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۲۱؛ مونتگمری وات، «خدیجه»، ج ۴، ص ۸۹۹.
۴. جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ص ۱۳۲.
۵. همان؛ لوئی گارده، اسلام؛ دین و امت، ص ۱۳۰.
۶. مالیس روتون، دنیای اسلام، ص ۴۲؛ برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۷.
۷. درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۳۳.
۸. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۰۱؛ کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۱۶؛ آلن دوسلیه و روزه آرنالدز، آئینه اسلام در شناخت اسلام، ص ۱۰۹؛ فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۵؛ جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن، ص ۲۲؛ لوئی گارده، اسلام؛ دین و امت، ص ۱؛ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۰۸؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۳۰.
۹. آنه ماری شپمل، محمد، رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی(۱)، ص ۷۰؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۱۶؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۳۰.
۱۰. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۷۲؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۶.

- با درگذشت خدیجه علیها السلام دیگر کسی در اطراف او نبود که از وی حمایت و حفاظت کند؛^۱
 - با مرگ خدیجه علیها السلام و ابوطالب، از موقعیت مخاطره‌آمیز، نامطمئن و مأیوس‌کننده برخوردار شد؛^۲
 - وفات خدیجه علیها السلام سبب شد که اعتماد محمد صلی الله علیه و آله به خود بیشتر شود و این برای موفقیت دینی او لازم بود؛^۳
 - با درگذشت عزیزان و پشتیبانان (ابوطالب و خدیجه علیها السلام)، محمد تصمیم به ترک مکه گرفت؛^۴
 - رحلت خدیجه علیها السلام تثبیت موقعیت محمد صلی الله علیه و آله را در مکه غیرممکن و دشوار ساخت؛^۵
 - پس از درگذشت خدیجه علیها السلام هیچ‌کس نمی‌توانست جایگزین او گردد؛ نه ابوبکر صدیق و نه عمر مشتاق. این موضوع به طرز اساسی و زیربنایی بر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله تأثیر گذاشت.^۶
- در کوتاه‌ترین فاصله از وفات خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله فقدان ایشان را احساس کرد. در زمان سفر به طائف، جایی که او را مورد آزار و اذیت قرار دادند، جای خدیجه علیها السلام بسیار خالی بود. او تنها کسی بود که در این لحظات تنهایی وی او را درک می‌کرد و برای ادامه راه، به تشویق و نصیحت او می‌پرداخت.^۷

۱-۴. نقد و بررسی رحلت حضرت خدیجه علیها السلام و پیامدهای آن

برخلاف دیدگاه مستشرقان که رحلت خدیجه علیها السلام را سه ماه پیش از هجرت ذکر کرده‌اند،^۸ بیشتر منابع تاریخی، زمان وفات خدیجه علیها السلام را ماه رمضان سال دهم بعثت، یعنی سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه می‌دانند.^۹ طبری سال رحلت خدیجه علیها السلام را پس از خروج از شعب ابی‌طالب می‌داند^{۱۰} و همانند ابن‌سعد و بلاذری

۱. بوهل، «محمد» در: دائرة المعارف اسلام، ج ۷، ص ۳۶۵؛ ریتزوی فیزر، «محمد» در: دائرة المعارف اسلام و جهان اسلام، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. ایرا ماروین لایندوس، تاریخ جوامع اسلامی، ص ۵۹.

۳. مونگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۱۰۱.

۴. فیلیس کورزین، امپراتوری اسلامی، ص ۲۱.

۵. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۱۹۳؛ آلبرت حورانی، تاریخ مردمان عرب، ص ۳۷.

۶. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۱؛ وات، محمد در مکه، ص ۱۷۷.

۷. کارن آرمسترانگ، محمد(ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۶؛ آنهماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکسل، اسلام و تمدن

اسلامی(۱)، ص ۷۰؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۱۶.

۸. فیلیپ حتی، تاریخ عرب، ص ۱۴۵؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر(ص)، ص ۱۶؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۲۱؛ مونگمری وات، «خدیجه»،

ج ۴، ص ۸۹۹.

۹. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب‌الأشراف، ج ۲، ص ۳۴؛ محمد بن احمد دولابی، ذریعة‌الطاهرة، ص ۶۴؛

محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ ابن‌واضح احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ علی بن حسین مسعودی،

مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲.

۱۰. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳-۵۹۳.

معتقد است خدیجه علیها السلام هنگام وفات، در ۶۵ سالگی به سر می برد.^۱ ابن عبدالبر، سن خدیجه علیها السلام را هنگام وفات، کمی دقیق تر ۶۴ سال و شش ماه ذکر می کند.^۲ برخی منابع فاصله رحلت ابوطالب و خدیجه علیها السلام را به اختلاف ۲۵، ۳۵، ۵۵ یا حتی پنج روز و سه روز نوشته اند که در تقدم وفات هریک نیز اختلاف عقیده دیده می شود.^۳ بنابراین، مورخین در اینکه وفات آن دو بزرگوار در سال دهم بعثت (۶۱۹ میلادی) روی داده است، اتفاق نظر دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله که دو حامی اصلی خود، یعنی خدیجه علیها السلام و ابوطالب را به فاصله اندکی از دست داد و با مشکلات عمده ای روبه رو شد، این سال را عام الحزن نامید.^۴ بنا بر روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه را در دامنه کوه حجون که بر شمال قبرستان شهر مکه واقع است، به خاک سپرد؛^۵ چنان که برخی مستشرقان نیز همین نظر را دارند.^۶ پیامبر صلی الله علیه و آله مصیبت فقدان این دو شخصیت برجسته تاریخ اسلام را متوجه جهان اسلام دانستند و آن را فراتر از مصیبتی خانوادگی معرفی نمودند.^۷ این مصیبت وارده، ادامه دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه را با مانع تراشی مشرکان روبه رو کرد و به فاصله اندکی پس از آن، در یکی از شب های شوال همان سال، ایشان را به سمت طائف سوق داد. پیامبر صلی الله علیه و آله در طائف نیز با بی مهری و بعضاً آزار و اذیت اهالی آن مواجه شد و پس از ده روز اقامت بی فایده در آن شهر، محزون به مکه بازگشت. همان گونه که مستشرقان^۸ اشاره داشته اند، پیامبر صلی الله علیه و آله در این سفر جای خالی حامیان خویش را بیش از پیش احساس نمود.^۹

پیامبر تا زمانی که خدیجه علیها السلام زنده بود، همسر دیگری اختیار نکرد و پس از وی چنان که منابع تاریخی گفته اند، تعداد همسران وی برخلاف دیدگاه مستشرقان است. در میان سیره نویسان، ابن اسحاق و ابن هشام سیزده همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را برمی شمارند که درخصوص دو تن از آنان، تنها به خواندن خطبه عقد قناعت کرد و خدیجه بنت خویلد و

۱. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ احمد بن یحیی بلذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۴.

۲. یوسف بن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۱۸.

۳. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۴؛ احمد بن یحیی بلذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۳؛ احمد بن علی مقریزی، امتناع الأسماع، ج ۱، ص ۴۵.

۴. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۴۳؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵؛ احمد بن علی مقریزی، امتناع الأسماع، ج ۱، ص ۴۵.

۵. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۵؛ احمد بن یحیی بلذری، انساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۴؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۳.

۶. لؤی گارده، اسلام؛ دین و امت، ص ۱۳۰؛ مالک روتون، دنیای اسلام، ص ۴۲؛ برتولد اشپولر، جهان اسلام، ص ۲۷؛ امیل درمنگهم، مردان حکمت؛ محمد و سنت اسلامی، ص ۳۳.

۷. ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

۸. کارن آرمسترانگ، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ص ۲۰۶؛ آنه ماری شیمل، محمد، رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکس، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، ص ۷۰؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۱۶.

۹. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱۹؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۵؛ احمد بن یحیی بلذری، انساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۷۳؛ ابن واضح احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۴؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، مقدمه، ص ۶۶.

زینب بنت خزیمه در زمان حیات پیامبر دیده از جهان فروبستند.^۱ اما طبری معتقد است که پیامبر پانزده زن گرفت که از این تعداد تنها با سیزده تن خطبه عقد دائم جاری کرد و زمانی که از دنیا رفت، دارای نه زن بود.^۲ این سعد پس از معرفی دوازده زنی که به صورت دائم در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، شش زن دیگری را ذکر می کند که پیامبر درباره آنان تنها به برقراری خطبه بسنده کرد و به خانه نبرد.^۳ با این حال، در هنگام رحلت محمد صلی الله علیه و آله، نه نفر از همسرانش در قید حیات بوده اند و احتمالاً ثیمل، میکل، ابوت و بورلو بر این اساس تعداد همسران ایشان را پس از خدیجه علیها السلام، به اشتباه نه نفر ذکر کرده اند؛^۴ در حالی که پیامبر با سیزده زن خطبه عقد جاری کرد.

چنان که مستشرقان گفته اند، پیامبر هیچ گاه نام و یاد حضرت خدیجه علیها السلام را از نظر دور نداشتند؛ تا آنجا که عایشه گفته است: رسول خدا هیچ گاه از منزل خارج نشد، مگر آنکه از خدیجه علیها السلام یاد کرد و او را به نیکی ستود.^۵ همچنین رسول الله صلی الله علیه و آله از ایشان با عنوان محبوبه خود و صدیقه امت یاد کرده است.^۶

نتیجه گیری

بررسی آرای مستشرقان پیرامون زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام حکایت از این دارد که اکثریت آنها، در راستای واکاوی رویدادهای دوران پیامبر، شخصیت خدیجه علیها السلام را مورد عنایت خویش قرار داده اند. بیشتر این توجهات، به دوران «پس از آشنایی و ازدواج ایشان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله» برمی گردد. با توجه به این رویکرد اتخاذ شده از جانب مستشرقان، نتایج به دست آمده را می توان چنین برشمرد:

۱. در مبحث «آشنایی خدیجه علیها السلام با محمد صلی الله علیه و آله»، به استثنای نظر همسوی آنها پیرامون نقش میسر در ایجاد همدلی و آشنایی خدیجه با محمد صلی الله علیه و آله، دو ادعای متناقض و متضاد با منابع متقدم تاریخ دیده می شود. نوع نگاه برخی از راویان طرفدار عایشه به تاریخ صدر اسلام، در کنار نادیده پنداشتن برخی فضایل حضرت خدیجه علیها السلام، و نیز تناقض های متعدد در ذکر اسامی همسران پیشین خدیجه، سبب شده است تا مستشرقان در کنار عدم تطبیق زمان مرگ خویلد با زمان ازدواج فرزندش خدیجه علیها السلام، تحلیلی از ازدواج های پیشین ایشان مطرح کنند که در منابع اسلامی مردود شمرده شده اند یا دست کم تردیدهای جدی درباره با آنها وجود دارد. همچنین تعبیری که مستشرقان

۱. رک: محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ص ۲۵۴-۲۶۸؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۴۳-۶۴۸.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۰.

۳. رک: محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۲-۱۱۲.

۴. آنه ماری ثیمل، محمد، رسول خدا، ص ۲۲؛ آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، ص ۷۰؛ نبیا ابوت، عایشه همسر پیغمبر (ص)، ص ۱۶؛ ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، ص ۳۰.

۵. محمد بن احمد دولابی، ذریع الطاهره، ص ۶۶؛ اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۲۸.

۶. اسماعیل بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۱۲۹.

از اجیر شدن محمد ﷺ در سفر تجاری شام به کار برده‌اند، با گزاره‌های قرآنی و روایی سازگاری ندارد و از نحوه بهره‌گیری شرق‌شناسان از منابع تاریخی سرچشمه می‌گیرد.

۲. در مبحث «ازدواج خدیجه ﷺ با حضرت محمد ﷺ» نیز هر چند ادعای مستشرقین درباره پیشقدم شدن خدیجه در ازدواج با آن حضرت با منابع متقدم سازگاری دارد، اما اختلافات فرهنگی میان مسلمانان و شرق‌شناسان و نادیده پنداشتن همه منابع اصیل تاریخی، سبب شده است تا با تحلیلی به‌دور از واقعیت، خوردن مشروب به پدر را عاملی جهت کسب رضایت ازدواج توسط خدیجه ﷺ معرفی کنند. افزون‌براین، توجه نداشتن به قرآن کریم به‌عنوان منبعی اصیل از یک‌سو، و عدم رجوع مستشرقان به منابع اصلی تاریخ اسلام از سوی دیگر، موجب شده است تا ازدواج محمد ﷺ با خدیجه ﷺ را در جهت تحول وضعیت اقتصادی ایشان مطرح کنند. همچنین آشفته‌گی‌های خبری منابع متقدم تاریخ اسلام پیرامون اختلاف در سن خدیجه ﷺ در هنگام ازدواج، و نیز تعداد، جنسیت و نام فرزندان پیامبر ﷺ از خدیجه ﷺ، در پیدایش تناقض‌های متعدد میان آرای مستشرقان مؤثر واقع شده است.

۳. در مبحث «خدیجه ﷺ و بعثت رسول الله ﷺ»، تحلیل‌های عرفی رفتارشناسانه از تجربه وحی و تضعیف جایگاه پیامبر ﷺ، با تأکید بیش از حد بر نقش خدیجه و ورقه‌بن زوفل در جریان نزول وحی، با گزاره‌های تاریخی و روایی و نیز مبانی عقلی و قرآنی مطابقت ندارد. برخی مستشرقان در بهره‌گیری از این گزارش‌ها، آنچه را با پیش‌فرض‌ها و محاسبات مادی خودشان مطابقت داشته، گزینش نموده‌اند و از نقد و ارزیابی اخبار و روایات، خودداری کرده‌اند. مستشرقان در این موارد قائل به دیدگاه‌هایی شده‌اند که در تضاد با جایگاه پیامبر ﷺ و خدیجه ﷺ قرار دارد، و همه این آرا متأثر از نبود درک وحیانی از دانش پیامبر ﷺ و الهی بودن منشأ و مصدر آن، و نیز روح انسان‌محوری حاکم بر جهان‌غرب است؛ چنان‌که رویکردهای دنیوی و تفسیرهای مادی از بعثت، در کنار بزرگ‌نمایی برخی مورخان اسلام در توصیف دارایی حضرت خدیجه ﷺ و حمایت‌های مالی ایشان از مسلمین، موجب گردیده است تا شرق‌شناسان ازدواج حضرت محمد ﷺ با خدیجه ﷺ را مقدمه‌ای برای رسیدن به شکوه و شهرت و در جهت بنیان گذاشتن دینی جدید، مطرح کنند.

۴. دیدگاه‌های بعضاً متناقض پیرامون زمان «رحلت خدیجه ﷺ»، و تعداد همسران پیامبر ﷺ در آرای مستشرقان، احتمالاً از نقل‌گزینی و محدود کردن استنادات به برخی منابع، و استفاده نکردن از کتب به زبان اصلی نشئت گرفته است. طرح برخی نظرات همدلانه از جانب مستشرقان و قربات‌هایی که در برداشت آنها از منابع متقدم تاریخی، از جمله پیرامون «پیامدهای روحی و اجتماعی رحلت حضرت خدیجه ﷺ بر پیامبر ﷺ» وجود دارد، در نوع خود رویکردی بدیع به‌نظر می‌رسد.

منابع

- ابن اثیر، علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- ____، *اسدالغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن اسحاق، محمد، *سيرة ابن اسحاق (کتاب السیر والمغازی)*، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *تذکرة الخواص*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۸ق.
- ابن حبیب بغدادی، محمد، *المحبر*، تحقیق ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، دارالافاق الجدیده، بی تا.
- ____، *المنقذ فی اخبار قریش*، تحقیق خورشیداحمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، *جمهرة أنساب العرب*، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
- ابن سعد، محمد، *طبقات الکبری*، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن سیدالناس، محمد بن محمد، *عیون الاثر فی فنون المغازی والشمال والسیر*، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۴ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *المناقب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عبدالبر، یوسف، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد الجاوی، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، ط. الثانيه، قاهره، الهيئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۹۲م.
- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، *الاستغاثة فی بدع الثلاثه*، تهران، مؤسسه الأعلمی، ۱۳۷۳ق.
- ابوت، نبیا، *عایشه همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، تهران، آسیا، ۱۳۴۴.
- ارنست، کارل، *اقتدا به محمد صلی الله علیه و آله نگرشی نوبه اسلام در جهان معاصر*، ترجمه قاسم کاکایی، تهران، هرمس، ۱۳۸۹.
- اسمیت، هوستون، «مذهب انسانی»، در: *اسلام از نظرگاه اندیشمندان غرب*، ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، چ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- اشپولر، برتولد، *جهان اسلام*، ترجمه فخر آریان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- آرمسترانگ، کارن، *محمد صلی الله علیه و آله زندگینامه پیامبر اسلام*، ترجمه کیانوش حشمتی، چ دوم، تهران، حکمت، ۱۳۸۶.
- آرنولد، توماس واکر، *تاریخ گسترش اسلام*، ترجمه ابوالفضل عزتی، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- آئینه‌وند، صادق، *سیره نویسی و سیرنگاران*، چ دوم، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۸.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، تحقیق محمدزهر بن ناصر الناصر، دمشق، دارطوق النجاه، ۱۴۲۲ق.
- بروکلان، کارل، *تاریخ ملل و دول اسلامی*، ترجمه هادی جزایری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- بورلو، ژوزف، *تمدن اسلامی*، ترجمه سیداسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.
- بیهقی، احمد بن حسین، *دلائل النبوه و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- ____، *سنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، ط. الثالثه، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- پطروشفسکی، ایلایا لویچ، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، چ چهارم، تهران، پیام، ۱۳۵۴.
- پورت، جان دیون، *عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن*، ترجمه سیدغلامرضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۴۸.

- پورنقشبند، نادر، «توجه برخورد اسلام‌شناسان غرب با سیره رسول اکرم (ص)»، در: *مجموعه مقالات همایش سیره‌شناسی پیامبر اعظم (ص)*، به اهتمام اصغر منتظرالقائم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
- تصویر خانواده پیامبر (ص)*، در: *دائرة المعارف اسلام (ترجمه و نقد)*، ناقدین: عبدالرضا عرب و دیگران، زیر نظر محمد تقی‌زاده داوری، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷.
- حتی، فیلیپ خوری، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ سوم، تهران، آگاه، ۱۳۸۰.
- _____، *شرق نزدیک در تاریخ: یک سرگذشت پنج‌هزارساله*، ترجمه قمر آریان، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- حلبی، علی‌بن ابراهیم، *سیره‌الحلیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- حورانی، آلبرت، *تاریخ مردمان عرب*، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن (عصر ایمان)*، کتاب چهارم از بخش دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اقبال، ۱۳۴۳.
- دوسلیه، آلن و روزه آرنالدز، *آئینه اسلام در شناخت اسلام*، ترجمه سیدعبدالحسین حسینی، تهران، سعیدی، بی‌تا.
- دولابی، محمدبن احمد، *فروغ‌الطاهره*، تحقیق سیدمحمدجواد حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.
- دومینیک، سوردل، *اسلام*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، چ دوم، شرکت‌سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.
- ذهبی، محمدبن احمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والأعلام*، تحقیق عمرعبدالسلام تدمری، ط. الثانيه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
- روتون، مالیس، *دنیای اسلام*، ترجمه و اقتباس مرتضی مدنی‌نژاد، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۹۱.
- سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، چ هفتم، تهران، افسون، ۱۳۸۰.
- شیمل، آنهماری، محمد، *رسول خدا*، ترجمه حسن لاهوتی، چ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- صدوق، محمدبن علی، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه الشریع الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
- صمیمی، مینو، *محمد در اروپا*، ترجمه عباس مهرپویا، چ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۴.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط. الثالثه، بیروت، موسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ط. الثانيه، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- عبدالمحمدی، حسین، *مستشرقان و پیامبر اعظم (ص)*، چ دوم، قم، المصطفی، ۱۳۹۴.
- عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ق.
- قاضی ابرقوه، اسحاق‌بن محمد، *سیرت رسول الله*، تحقیق اصغر مهدوی، چ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، *تفسیرالقمی*، تصحیح سیدطیب جزائری، چ سوم، قم، دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
- کارلایل، توماس، *تاریخ حیات پیامبر اسلام (از کتاب‌الابطال)*، ترجمه عبدالله زنجانی، تبریز، کتابخانه سروش، ۱۳۱۲.
- کریمی‌نیا، مرتضی، «سیری اجمالی در سیره‌نگاری پیامبر اسلام در غرب»، در: *سیره‌پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع*، تدوین مرتضی کریمی‌نیا، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تحقیق مرکز بحوث دارالحديث، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- کورزین، فیلیس، *امپراتوری اسلامی*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶.
- کوفی، فرات‌بن ابراهیم، *تفسیر فرات‌الکوفی*، تصحیح محمدکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- گارد، لوئی، *اسلام؛ دین و امت*، ترجمه رضا مشایخی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲.
- گیب، همیلتن، *اسلام؛ بررسی تاریخی*، ترجمه منوچهر امیری، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- لایدوس، ایرا ماروین، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، چ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۷.
- لوبون، گوستاو، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، چ چهارم، تهران، بنگاه مطبوعاتی علمی، ۱۳۳۴.

- لینگز، مارتین، محمد صلی الله علیه و آله بر پایه کهن ترین منابع، ترجمه سعید تهرانی نسب، تهران، حکمت، ۱۳۹۱.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چ سوم، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، چ چهل و یکم، تهران، صدرا، ۱۳۸۵.
- مطهری نیا، محمود، مستشرقان و نبی اعظم صلی الله علیه و آله نقد و بررسی آراء پنج تن از مستشرقان سیره نبوی و شخصیت و تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۹.
- مقریزی، احمد بن علی، امتناع الاسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمطاع، تحقیق عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- میکل، آندره، اسلام و تمدن اسلامی (۱)، با همکاری هانری لوران، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
- وات، مونتگمری، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل ولی زاده، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۴.
- _____، «محمد صلی الله علیه و آله»، در: تاریخ اسلام کمبریج، به کوشش پی.ام.هولت و دیگران، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب، ۱۳۸۷.
- واعظ خرگوشی، عبدالملک بن محمد، شرف النبی، تحقیق محمد روشن، تهران، بابک، ۱۳۶۱.
- هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- هونگه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا (خورشید الله بر فراز مغرب زمین)، ترجمه مرتضی رهبانی، چ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

- Buhl, F., Welch, A.T., *“Muhammad”*, In Encyclopaedia Of Islam, Leiden, E.J.Brill, 1993.
- Crawford, H. Toy, *“Mohammed and the Islam of the Koran”*, The Harvard Theological Review, London, Cambridge University Press on behalf of the Harvard Divinity School Stable.
- Dermenghem, Emile, *Men Of Wisdom; Muhammad and the Islamic tradition*, Translated from the French by Jean M.Watt, New York, Happer & Brothers, 1958.
- Eliade, Mirca, *A History of Religious Ideas*, (From Mohammad to the age of Reforms), Chicago and London, University Of Chicago Press, 1988.
- Faizer, Rizwi, *“Muhammad”*, In Encyclopedia of Islam and the Muslim World, v2, Editor in Chief: Richard C. Martin, Usa, Macmillan, 2003.
- Gibb, H. A. R, *Mohammedanism; an historical survey*, New York, Oxford University Press, 1962.
- Hodjson, Marshall. G.S, *The Venture Of Islam*, V1 (The Classical age of islam), Chicago, University Of Chicago Press, 1974.
- Katz, Marion Holmes, *The Birth of the Prophet Muhammad*; Devotional piety in Sunni Islam, London, Routledge, 2007.
- Kellen, Betty, *Muhammd; The messenger of God*, New York, Taylor Productions, 2001.
- Margoliouth, D. Litt, *The Early development of Mohammedanism*, London, Williams & Novgate, 1914.
- Muir, William, *The Life Of Mahomet And History Of Islam*, v2, London, Smith Elder & co. Cornhill, 1858.
- Richardson, Harry, *The Story of Mohammed Islam*; Unveiled, New York, no publisher, 2013.
- Tor, Andre, *Mohammed; The man and his Faith*, Translated by Theophil Menzel, London, George Allen & Unwin L.T.D, 1956.
- Watt, Montgomery. W, *Mahomet LA Mecque*, Paris, Payot, 1985.
- Watt, Montgomery. W, *“Khadidja”*, In Encyclopaedia Of Islam, v4, Leiden, E.J.Brill, 1971.
- _____, *Muhammad At Mecca*, London, Oxford University Press, 1965.

